

تمدن آبی لامرد

محسن جواهری^۱

تمدن آبی لامرد

گفته شده است که : هرجا آبست، آبادی هم هست و نیز گفته اند: تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی؟ هرجا که اندک آب روانی یافت شود، زندگی در کنارش پا می گیرد و هرچه آب کمتر باشد، تلاش بیشتری نیاز است تا از آن بیشترین بهره گرفته شود. پس بدرستی ارزش آب را کسانی خوب می دانند که برای به دست آوردنش تلاش بیشتری می نمایند. آنانند که در بهره گیری از آب، راه بهینه را برمی گزینند.

دشت لامرد چنین جایی است. در آن جا به آب چنان نگریسته شده که در جاهای پرآب نشده است.

دشت لامرد بخش پهناوری از آبشاریون سور مهران است. آنچه در این آبشاریون انجام یافته است نگرشی یک پارچه به همه چاره‌های آب است که امروزه، با گذشت صدها سال، در دیگر آبشاریونهای فارس و یا شاید ایران زمین، نمونه‌ی آن را کمتر توان یافت - نمونه‌ای که نشان از یک تمدن دیرینه دارد.

در اینجا، مردم به آزمون آموخته اند که آنچه باران، در درازای سال، بر آبشاریون آنان بارد، همه‌ی آبی است که باید در گذر آن سال و شاید چند سال خشک آینده به آن بسند کنند. پس بباید که آب را ارج نهند و به آن بهای فراوان دهند. نیاز است تا برای آشامیدن، برکه‌ها سازند تا آب

۱- مدیر عامل شرکت مهندسین مشاور حاسب فارس

باران در آن انبار گردد و برای کشاورزی، سیلاب بر کشتها روانه نمایند. در آبخیزها بندهای دیر کننده یا بندهای پسار بنا کنند و آب در جاهای برازنده در زمین فرو فرستند تا که سفره‌های زیرزمینی از آن سیراب گردد.

آنها می‌دانستند که خاک در برابر سیلاب برجانمی‌ماند - شسته می‌شود و با آن می‌رود. باید که خاک را در جانگه دارند. باید دیوارهای نگهدارنده بسازند و بندهای رسوبگیر بنا کنند تا شیبها شکسته شود. باید به هر شکرده دست یازند تا که آب و خاک بماند و هدر نرود. آنچه از سیلاب، در سرشاخه‌ها گرفته نمی‌شد و به دشت می‌رسید، بر زمین تشنه می‌گستراند و نخلستانها و کشتزارها را سیراب می‌کردند.

مهران، رود شوری است با درازای چهارصد کیلومتر و آبشاریونی به پهناوری ۸۳۰۰ کیلومتر مربع. ۲۶۶۰ کیلومتر مربع از باخته این آبشاریون در برگیرنده کوه و دشت لامرد است. خاور آن در استان هرمزگان افتاده است که بیشتر شوره زار می‌باشد. آبهای این بخش از آبشاریون، شور و شمار مردمان آن اندک است.

آبشاریون باخته رود مهران - که سخن این نوشتار درباره آن است - پهناوری نزدیک به پانزده و درازایی برابر یکصد و هفتاد و پنج کیلومتر دارد. در این بخش از آبشاریون، رودخانه از همان نخستین سرشاخه‌ها در دهستان اسیر، زهکش دشت می‌باشد. هرچه رود به جلو می‌رود آب شورتر می‌شود.

دشت لامرد را کوههای هفت چاه و ماده از جنوب و علامرودشت و نر از شمال در برگرفته است. درهای کوچک و بزرگی که در پی هم در دل این کوهها جاگرفته است، زیرحوزه یا زیرآبشاریون‌های رود شور مهران را می‌سازد. بسیاری از این درهای دارای آب موسمی است، شمار کمی هم آب همیشگی دارد. آغازگاه روانابهای همیشگی، چشمه‌های آهکی است که در برخی، آب با گذر از روی سازندهای گچساران، میشان و آغاجاری، شور می‌شود و در برخی که آبدی اندک است، پدیده‌ی فروروی و به هوا شدن در گذرگاه، مجال رسیدن چیزی از آب را به دشت نمی‌دهد. برخی از سازه‌های ریزآبشاریون‌ها با اندیشه‌ی پیشگیری از شور شدن آب ساخته شده است.

بیشترین زمینهای ریزآبشاریونها را سازندهای گروه فارس دربر می‌گیرد. این سازندها از دید لیتوژی آرایشی از مارن، گچ و شیل و ماسه سنگ دارد و سست و فرسایش پذیر می‌باشد و در فروریزی و برپایی رویه‌ی هزار دره‌ای زمین بیشترین دست را دارد. درهایی که در جایگاه

برخورد سازندهای سخت و سخت برپا شده است. از گونه‌ی دره‌های فرسایشی می‌باشد. بیشتر آنها در مرز سازند گچساران با بخش آهکی گوری و یا در مرز سازند میشان با آغاز جاری هستی یافته است. در جای جای این گونه دره‌های تنگ، گشودگیهای پدید آمده است که اگر آبی باشد، بی‌گمان نخلستانهایی هم در آن به پاشده است.

میانگین باران سالانه در دشت لامرد ۲۵۰ میلیمتر و در ریزآبشوون‌ها ۲۵۰ تا ۳۵۰ میلیمتر است.

همچنین میانگین گرمای سالانه دشت حدود ۲۴ درجه‌ی سانتیگراد و میزان تبخیر نزدیک به سه متر در سال می‌باشد. این ویژگی‌ها، دشت لامرد را پهنه‌ای با اقلیم گرم و خشک می‌نمایاند. کمی باران و شدت زیاد رگبارها و بروز خشکسالیهای سخت چندین ساله از نمود آب و هوایی این گونه جاهاست.

در بیشتر ریزآبشوون‌های رود شور مهران، هر سازه‌ی آبی جزیی از یکه‌مگرد آبی^۱ است که برای بهره‌گیری بهینه از رواناب آن ریزآبشوونها ساخته شده است. هر بنای آبی هم، به نوبه‌ی خود، به فراخور گونه گونی رویه‌ی زمین و سازندهای آن، فراوانی و شوری آب ریزآبشوون، کاربردی جدا از دیگر بناهای دارد. گویی پیش از آنکه سازه‌ای در جایی بنا شود، همه‌ی آبشوون، یکجا شناسایی شده و برای هر گوش، کاری در خور آن دیده شده است.

جنس مصالح و روش مهندسی به کار رفته در برپایی همه‌ی این سازه‌ها، کم و بیش یکسان است و نشان می‌دهد که همه‌ی آنها به یک تمدن ریشه دار بر می‌گردد. دیرینگی این تمدن بدرستی دانسته نیست، اما پاره‌ای نشانه‌ها گویای دیرینه‌ای فراتر از هزار و چهارصد سال دارد. مردم، همه‌ی بناهای باستانی را به زمان گبرها پیوند می‌زنند- زمانی که هنوز اسلام در آن سرزمین گسترش نیافته بود. نام جاها نیز گویای هستی یک تمدن دیرپا است. در درازای این همه سال، مردمی پشت سر مردمی دیگر آمده‌اند تا ساخته‌های پیشینیان را به کار گیرند. آنان این سازه‌ها را نگه داشتند و ویرانیها را به گونه‌ی نخست برپا نمودند. بناهای نورا با فرهنگ کهن ساختند و بر غنای تمدن آبی این سرزمین افزودند.

بسیاری از ساختمانهای آبی، که امروزه در زمینه‌های آبخیزداری و فراهم آوری آب و جابه جایی و نگهداری آن به کار می‌رود، در درازای این همه سال در تمدن آبی لامرد، به کار گرفته شده است. می‌توان در این راستا به سد بلند، بند، سواره، آبدالان، آباره، آسیاب، استخر،

۱ - همگرد آبی = مجموعه هیدرولیکی

۱-۳ سدهای بلند

سد بلند را در جایی از گذر رودخانه می‌سازند که ویژگی در خور داشته باشد، و می‌سازند تا که آوردهای رودخانه را در پشت خود مهار کند. هرچه کاسه‌ی پدیدآمده در پشت سد بزرگتر باشد، آب بیشتری در آن فراهم می‌آید و هرچه یک سد بلندتر باشد، کاسه‌اش بزرگتر می‌شود. این سدها را - که مخزنی می‌نامند - بگونه‌ای می‌سازند تا بتوانند آب را به هر زمان و به هر اندازه که نیاز آید از دریاچه رها کرده در کشتزار به کار گیرند.

در آبشنیون شور مهران کمتر می‌توان آب را بدبینگونه انباشته کرد، چراکه آب بزودی به هوا می‌شود و چیزی از ره آورد رودخانه در پشت سد جا نمی‌ماند. از سوی دیگر، بود برخی سازندهای شوری زا، همچون گچساران و بخش مارنی می‌شان آب را در این آبشنیون، کم و بیش، شور می‌کند. اگر هم بخشی از آب به هوا شود: شوری فزونی می‌یابد، تا جایی که دیگر به کار نمی‌آید. فرسایش خاک هم بیداد می‌کند - زود دریاچه‌ی سد را از گل و لای پر می‌نماید و سد را از کار می‌اندازد. در چنین ویژگی، اگر همه چیز آماده‌ی بنای یک سد بلند باشد چه باید کرد؟ اگر آبی در رودخانه روان باشد و در جایی از گذر آن، در دو سو، دیواری پایدار برای تکیه گاه یافت شود، و اگر بتوان از بیرون زدگی‌ی یک سازند در کف رودخانه از برای پدید آوردن حوضجه‌ی آرامش بهره گرفت، آیا می‌شود از برقایی یک سد بلند در گذشت و آن را نادیده گرفت؟ پیشینیان در سرزمین لامرد چنین نکرده‌اند. آنان در تنگ آب ماهی سدی به بلندای ۲۱ متر، در جایی با همان ویژگیها، ساخته‌اند. برای آنکه آب بماند و به هوا نشود، شوری آن هم فزونی نیابد و بتوان از آن در درازای سال آب گرفت، از فرسایش پذیری سازندهای آبشنیون بهره گرفته‌اند و گذاشته‌اند تا پشت سد از آبرفت پر شود و آب به جای انباشتگی آزاد، در لابه‌لای خاک رود. اگر کف رودخانه را مارن و یادیگر سازندهایی که آب را از خود گذر نمی‌دهد، پوشش دهد، نهشته‌های پشت سد آبخوانی می‌شود که آب، به گونه‌ی زه، تنها از درون زهکش‌های دست ساخت آن رها می‌شود، ولی سازند زیرپایی پشت سد آب ماهی آبگذر است. آبهای فراهم آمده در لابه‌لای خاک، آرام آرام در زمین فرو می‌رود و در پاییاب، آنجا که بستر رودخانه با مارن بر می‌خورد بیرون می‌زند و آب راهی‌ی پائین دست می‌شود.

گنجایش کاسه‌ی پشت سد آب ماهی ۲ میلیون مترمکعب می‌باشد. چنانچه رخنه‌ی خاک نهشته به پشت سد را ۵۰ درصد بگیریم، نزدیک به ۳۲ لیتر آب در ثانیه می‌تواند در همه‌ی سال از بستر تراونده‌ی پایاب زه کند. ولی باران لامرد که تنها یک مرتبه در سال نمی‌آید. اگر آخرین باران سال در پایان اسفند باشد و باران دیگری تا باران خمینه که در مرداد ماه است نیاید و دیگر بارانها در پاییز و زمستان باشد، میانگین زه به بیش از ۸۲ لیتر در ثانیه فزونی می‌یابد.

افزون بر سد ۲۱ متری آب ماهی که بستر تراونده‌ی رودخانه را در پایاب آبدار نموده است، سد ۷/۷ متری آب کوهی، آب یک قنات را فراهم می‌کند، سد ۱۱/۳ متری دارچل، در تنگ کودیان، یک گودال به ژرفای ناشناخته راهمواره سرشار از آب می‌نماید. سد ۱۵ متری گلوگمپو^۱ هم آب یک گمپ^۲ را در ۷۰ تری پایاب فراهم می‌آورد. گرچه این سد در آبشاریون شور مهران ساخته نشده است ولی نزدیک بودن آن به این آبشاریون می‌تواند گویای کارکرد همانند آن با دیگر سدهای بزرگ این سامان باشد. ویژگی این سد در جای دیگر نوشته خواهد شد.

باید که پیش از برپایی این سدها، بیرون زدگی آب از جایی دیده شده باشد و سد را برای بیشتر نمودن آن آب زده باشند. امروزه که شاید بیش از یک صد سال از ویرانی سد گلی گمپو می‌گذرد، هنوز آب از گمپ پایاب سد، گرچه اندک، بیرون می‌زند. گمپ از درون یک تسمه (چرم) از ماسه سنگ آغاجاری دهان بازکرده است و آبی کانی دارد که به گفته‌ی مردم آب باد است و برای بهبود پوست خوب می‌باشد. به گمان زیاد، سد را از برای زیاد کردن آب گمپ و شیرین نمودن آن زده‌اند. روشن است که مردم باید بدانند که آب سد، در پایاب، از کجا بیرون می‌زند. بدون این دانش، آنان سد بزرگ نمی‌زدند، چه نمی‌خواستند هزینه‌ای کنند و سدی بزنند که ندانند آبش به کجا می‌رود.

۳-۲ - بندها

در آبشاریون لامرد، بند را از برای چندی می‌سازند. نخست آنکه در ریزآبشاریونها خاک گرد آورد و پهنه‌ها از نهشته‌ها سازد و زمینه‌ی باعصاری را فراهم کند.

دوم، آب را در لای آبرفت نهشته بر پشت بندها انبار سازد، تا به کار درختان همان پهنه

"Gompu" - "Golu" - ۱

۲ - گمپ بر وزن جمب (جمبیدن)، گونه‌ای چشم است. آن را در جای دیگر - کار در چشمها - باز خواهیم گفت.

آید و نیز آرام آرام آزاد شده، بسوی دشت روان گردد. سوم، نگذارد کف رودخانه پایین افتاد و بدنبال آن خاک کناره فرو ریزد و نخلها سرنگون گردد.

چهارم، آب را برگرداند و در جویی کند تا به جایی که خواهد برد.

شاید بتوان دسته‌ی دوم را به گونه‌ی، بند پسار^۱ دانست - بندی که آب را در لابه لای خاک می‌کند و در آزادی اش درنگ می‌نماید. بند پسار نه آن گونه است که آب را آزادانه به پشت خود گرد می‌آورد و به دست کس رهایش می‌سازد.

برپایی بندهای پلکانی پسار، در سرشاخه‌های رود مهران، کاری هنرمندانه است. هر بند با آبرفت نهشته در پشت خود، آبخوان کوچکی را ماند که با دیگر بندهای پس و پیش اش آبخوان بزرگتری را می‌سازد.

در بیشتر سرشاخه‌ها، بستر رودخانه را سازند نفوذناپذیر گروه فارس پوشش می‌دهد. آب در این جاهادر زمین فرو نمی‌رود و از دسترس رهانمی‌شود، تنها در میان آبرفت پشت بندها جا می‌گیرد. چنین آبی، با همه گرمایی که در درازای سال پیش می‌آید، در برابری با آب آزاد، کمتر هوا می‌شود و کمتر شور می‌گردد.

در درون کالبد برخی از بندها، زهکش‌هایی ساخته‌اند. آبی که از این زهکشها رها می‌شود به درون جویی ریخته و به آبخوان بند زیردست می‌رود. چنین است که در تابستانها نیز رود همچنان پویا می‌ماند، چراکه آب مانده در بین خاکهای پشت هر بند، از لابه‌لای سنگهای دیواره‌ی کوتاه بند و یا از راه زهکش‌هایی که برایش ساخته‌اند، آرام آرام بیرون آمده به آبخوان پایین دست می‌رسد. هرچه شمار بندها بیشتر باشد آب بیشتری در پایانه‌ی تنگ به دست می‌آید. چنین چاره‌ای رود را در بیشتر روزهای سال زنده و زاینده نگه می‌دارد.

آب را از یک بند تا بند دیگر از درون جویی سنگ و ساروجی می‌گذرانند تا مبادا پهن شدن آب بر گستره‌ی کف دره، هواشدن زیاد آن را پیش آورد.

این روش زنده نگه داشتن آبراهه‌ها از شگفتانگیز پیشینیان در این سرزمین و یا همسایگان آنها در جنوب فارس بوده است. نمونه‌ی آن را در کمتر جایی می‌توان دید. سالخوردگانی که بندهای آسیب دیده را باز ساخته‌اند، این روش را خوب می‌شناسند. در میان جوانان، کمتر کسی با آن آشنایی دارد.

۱ - بند پسار = بند دیرکننده، بند تاخیری

امروزه دیگر کشاورزی در لامرد رنگ گذشته را ندارد. مردم سرشان به کار دیگر است و برای آب چندان دل نمی‌سوزانند. در پارهای جاهای زهکش بند کارکند یا نکند، آب به دهانه‌ی تنگ برسد یا نرسد جایی برای دلسوزی‌هایی همچون گذشته نیست. از اینرو بیشتر جویهای درون تنگها از کار افتاده و دیگر آبی از درونشان نمی‌گذرد، خیلی از بندها ویران شده است و آن را باز نساخته‌اند.

امروزه دوستداران فرهنگ کشور می‌پرسند که آیا از این همه نشانه‌های تمدن، چیزی برای آیندگان به جا خواهد ماند؟

بندهای برگردان^۱ را در آبشنیون شور مهران از برای آبگیری از رودها و کاربردی آن در آبیاری نخيلات و یا راه‌انداختن آسیاب‌ها ساخته‌اند.

بر روی پهنه‌ی آبرفت برجا مانده در پشت پارهای از بندها، نخل کاشته‌اند و نخلستانهای کوچکی را پدید آورده‌اند. سازند کنگلو مرای بختیاری، که سنگ کف دشت لامرد را می‌سازد، در پای کوههای جنوب آبشنیون مهران رخمنون یافته و دهانه‌های بیرونی تونگها را نما داده است. این سازند در پهنه‌ی ریزآبشنیون‌ها خوردگیها و شکستگی‌های فراوان دارد، آنگونه که در بیشتر تنگها، آب رونده که به آن برسد، ازمیان شکافها به زمین فرو رود و ناپدید شود. چنین است که در کمتر جایی، برروی این سازند بندی نهاده‌اند.

سازند آغا‌جاری که در زیر کنگلو مرای بختیاری نهشته شده، سازندی نفوذناپذیر است. هرجا که سازند کنگلو مرای بختیاری رخمنون دارد سازند آغا‌جاری را از پس آن، رو به بلندیها، می‌توان دید. این سازند از مارنهای سیلتی، با بین لایه‌هایی از ماسه سنگ، پدید آمده است. فارسیها به این ماسه سنگها چرم می‌گویند و از زمان گذشته آن را بنیادی در خور بنای بند یافته‌اند. بیشترین شمار بندهای آبشنیون لامرد برروی این چرمها ساخته شده است. در جاهایی - چون تنگ مهر - که نیاز بوده تا در هرجای رودخانه، از برای آبگیری، بندی به پاکنند و آب را به نخلستانهای سراسر کناره‌ی رود رسانند، نبود شالوده‌ای استوار - همچون چرمها - در زیر برخی بندها به ویرانی آنها انجامیده است.

در پهنه‌ی آبشنیون شور مهران، همه‌ی بندها از سنگ و ساروج ساخته شده است. بلندای آنان از کمتر از یک متر تا شش متر گونه گون است. بندهای بلند را با کلفتی بیشتری ساخته‌اند،

۱ - بند برگردان = بند انحرافی

گاهی هم برای آنها ستونهای کمکی بنا نهاده اند. آب را در برخی بندهای برگردان از یک سو و در برخی دیگر از دو سو گرفته اند.

۳-۳- سواره

سواره از دیگر بناهای دیرینه‌ی آب است که در این پهنه در جایه جایی آب از تنگ به دشت و یا از بند به آسیاب به کار رفته است. بدون آن، آب به گودترین گذرگاه دره می‌افتد و هرگز یارای سوار شدن بر زمینهای بلند کناره‌ی تنگ و یا رسیدن به تنوره‌ی آسیاب را نخواهد داشت. جاهایی هم هست که سازند کف دره یا کناره‌ی آن، آب را شور می‌کند. برای گریز از این شوری، تلاش می‌شد تا آب را از روی سازند دیگری که شور نباشد بگذراند. آن را از بالادست رودخانه، جایی که سوار بر سازند ناشور بود می‌چرخانند و بر روی یک سواره، رفته رفته از کف دره بالا می‌برند تاکه از سازند شور نگذرد. ساختار این سازه از سنگ لاشه است که سنگها با ملات ساروج به یکدیگر جفت می‌گردند. شالوده نیز از همین ساختار و با ملاتی پرتر ساخته می‌شده است. کلفتی دیواره‌ی زیرین، در روی زمین زیادتر و در زیر جوی کمتر است. جویهای ساخته شده بر روی این دیواره‌ها، لبه‌ای سنگی به کلفتی، کم و بیش، بیست سانتیمتر دارد. شب آنها ملایم و برابر ۱ تا ۲ در هزار می‌باشد.

سواره‌ها بسته به چگونگی پستی و بلندی زمین، پایداری شیبها و ساختار سازند بستر گونه گون است. آنجا که سواره در کنار دامنه‌ی کنکلومراپی کوه و یا دیگر سازندهای استوار بنا شده باشد، کوه تکیه‌گاه گردیده و کلفتی دیواره‌ی زیرپایی جوی کاهش یافته است. در جایی که بستر همچون کناره‌ی تپه‌های مارنی گروه فارس، سست و ناپایدار باشد، دیواره‌ی سازه پهنانی بیشتری یافته و شالوده‌ی بهتری برایش ساخته اند. آنجا که خواسته ایشان از بنای سواره، بردن آب به آسیابی در دشت و یا در دامنه‌ای با شب ملایم بود، باز پهنانی دیواره‌ها افزایش می‌دادند و آبروهای چندی در بدنه‌ی آن جاسازی می‌کردند. سواره‌هایی هم هست که کلفتی بالا و پایین دیواره‌ی زیر پا به یک اندازه است.

نشانهای ویرانی این سازه را بیشتر در جاهایی با رخنمون مارنی می‌توان یافت. در این جاهای فرسایش زیر پی را تهی کرده، سازه را فرو ریخته و یا با پدید آوردن ترکهای برشی، آماده‌ی فروریزی نموده است.

آب دالانها، شماری از سازه‌های جابه‌جا کننده‌ی آب در ریزآبشیونهای کوهستانی شور مهران می‌باشد که درازای آنها گاهی، تا به بیش از یک صد متر نیز می‌رسد. در بسیاری جاهای رساندن آب از بخش‌های کوهستانی آبشیون به زمینهای کشاورزی کناره‌ی دشت، تنها با کندن چنین دالانهایی شدنی گردیده است. این سازه‌ها بخشی از ساختمانهای آبی بر جا مانده در این پهنه است که در سازند کنگلومراخ بختیاری و گاهی در ماسه سنگ آغازگاری تراشیده شده است. پژوهشی در چینه‌شناسی این پهنه نشان می‌دهد که سازندهای در برگیرنده‌ی آبشیون، از پیر تا به جوان، چنین است: سازند آهکی آسماری، گروه فارس و سازند کنگلومراخ بختیاری. به دیگر سخن، آرایش لایه‌ها به گونه‌ای است که جریان آب پس از گذر از سازند سست و ناپایدار مارتی، بهنگام بیرون شدن از ریزآبشیون از سازند کنگلومراخ بختیاری می‌گذرد. از اینروست که بیشتر ریزآبشیونهای جاگرفته در یال شمالی کوه هفت چاه و ماده کوه دارای دهانه‌ای دره وار با دیوارهای بلند شاغولی می‌باشد. آب دالانها بیشتر در همین بخش از ریزآبشیون، در دل کوه تراشیده شده است. تنگ ترمون، تنگ زیقان و تنگ صادره در باختر شهر لامرد و همچنین تنگ اهلان و تنگ پسپند در خاور آن شهر از این جمله است. شاید زیباترین پیوند آب دالان و سواره را در تنگ صادره توان دید. این پیوند در پایی صخره‌های ستیع بختیاری، نمونه‌ی شگفتی از یک بنای کهن جابه‌جایی آب را نمایان ساخته است. گاهی دیده شده که چند آب دالان در بلندیهای گوناگون یک دره کنده شده است. چنین برمی‌آید که در پی‌ی ویرانی یک جوی و از کار افتادن دالانهای آن، جویی دیگر با دالانهای تازه بنا شده باشد.

۵-آباره

آباره جوی است، جویی بر روی یک پل تا که آب را از کرانه‌ای به کرانه‌ی دیگر یک دره برد. آباره‌ها در آبشیون شور مهران جوی بلندی است با آبروهایی در زیر، تا که سیلاپ را راه دهد. شمار آنها در این آبشیون چندان فراوان نیست. نمونه‌ی زیبای آن، آباره‌ی پسپند می‌باشد که از سنگ و ساروج ساخته شده است. بلندای آن $\frac{4}{9}$ متر و درازایش در تاج و بستر $\frac{34}{5}$ و $\frac{37}{2}$ متر می‌باشد. دیواره‌ها در دو سوی آن شاغولی است، آن گونه که کلفتی بنا در سراسر بلندایش

یکسان و برابر هشتاد و پنج سانتیمتر می‌باشد. جویی که در بلندی و روی پنا ساخته شده، پهنایی برابر ۴۵ سانتیمتر با دو دیواره هریک به کلفتی کم و بیش ۲۰ سانتیمتر دارد. زیرگذری با دو دهانه، هرکدام با پهنای یک متر و بلندای ۱/۹ متر، برای گذر سیالاب، بر روی کف دره در درون کالبد آباره ساخته‌اند. این آباره در میان دهها سازه‌ی دیگر که رویه‌مرفته یک همگرد آبی را سامان می‌دهد بالندگی دارد، آن چنان که با گذر از روی جاده‌ی اشکنان -پسبند آدمی را می‌گیرد، با آنکه‌اندکی دور دست است. دور و براین آباره، چند جوی سنگ و ساروجی، بلند و کوتاه، در کنار تپه ماهورها دیده می‌شود که به این سو و آن سورفته است، یکی هم سراز آسیاب درآورده است. اکنون جز آن جوی که از آباره می‌گذرد و هر از چندی دستی در آن برده می‌شود، دیگر جویها آباد نیست و تنها نشانه‌هایی از آنها برجا مانده است. آباره‌ی پسبند تا به امروز بارها نوسازی شده است. چنین است که هنوز استوار ایستاده است و بار می‌برد.

در آبشیون شور مهران، نمونه‌ی دیگری از گذر جوی آب از پهنا رو دخانه دیده شده است. در آن نمونه، کرانه‌ی دو سوی رو دخانه چندان بلند نیست. جویی هم که این دو کرانه را به هم می‌پیوندد، نمی‌تواند آن اندازه از زمین بلند شود که آب رو دخانه از زیرش بگذرد، چه آنکه دهانه‌های زیرگذر، کوتاه می‌شود و سنگ و چوب و تنہ‌ی درختان همراه با تندآبه جلو آن را بسادگی می‌گیرد. دهانه هم که گرفته شد واژگونی دنبال دارد. چاره‌ای نیست جز آنکه تندآبه را از روی جوی آب گذراند. پس جوی را سرپوشیده می‌سازند تا که گل و لای و سنگ خورددهای رو دخانه، آن را پرنکند. چه آنکه پشت جوی، خیلی زود از گل و لای و سنگ پر می‌شود و نوبت به جوی می‌رسد.

گاه، این سازه را از برای دو کار می‌سازند: یکی رد کردن آب از روی پل، و دیگری برپایی یک بند در جلو تندآبه. بند - آباره‌ی تنگ ترمون از این نمونه است. بر روی سرریز یکی از بندهای این تنگ، دالانی سرپوشیده، از سنگ و ساروج، درست کرده‌اند تا که آب را از پهلوی راست به دیگر سوی رو دخانه برد.

۶-۳- آسیابها

در هر گوشه از دهها ریزآبشیون لامرد، اگرکه آبی فراهم باشد، سواره و تنوره‌ی آسیاب و یا آسیابهایی بالیده است. درونه‌ی تنوره‌ها از سنگ و ساروج ساخته شده است و بلندای هریک بین

چهار تا پنج متر می‌باشد. بسیاری از تنگهای آبشاریون لامرد بگاه برداشت گندم آب روان دارد. شبی گذرگاه هم که تند است، پس زمینه‌ی برپایی آسیاب در ریزآبشاریونها فراهم است. در دشت، این دو کارساز کمتر با هم دیده شده است. جای کشت در دشت است و جای آسیاب در تنگها. گندم که برداشته می‌شد، برو بیای تنگها آغاز می‌گردید. گاه در یک تنگ بیش از ده آسیاب، گندم را آرد می‌کرد. در ریزآبشاریون تنگ ترمون، چهارده آسیاب پیاپی این کار را انجام می‌داد. امروزه، دیگر این آسیابها به کار گرفته نمی‌شود، دیگر صدای ریزش آب از تنوره‌ها شنیده نمی‌شود. جویهایی که آب را به تنوره‌ها می‌رساند باز سازی نشده است و آب را مهار کننده‌ای نیست. چنین است که آسیابها به ویرانی کشانده شده است.

بیشتر آسیابها سرریز داشت تاکه آب به گاه بیکاری آسیاب، به تنوره نریزد و به رودخانه بازگردد. هنوز در ریزآبشاریون تنگ ترمون، چند آسیاب با سرریز سالم، دیده می‌شود. آسیاب که در شب کم دشت و در روبه روی دهانه‌ی تنگ بنا شود، نمی‌تواند از سینه‌ی کوه برای رساندن آب به تنوره بهره گیرد. باید که سواره‌ای برای آن برپا شود - سواره‌ای همچون سواره‌ی آسیاب دهانه‌ی تنگ ترمون. بنای زیبا و بالندی این آسیاب در نه کیلومتری باختر شهر لامرد و در نزدیکی روستای ترمون به روی هر رهگذر رخ نموده است. تنوره‌ی آسیاب، مخروط سربریده ایست با گردی دو متر در بالا و سه متر در پایین. آنچه آن را از دیگر نمونه‌ها جدا می‌سازد: زیبایی، بالندگی و هماهنگی با کالبدهای آبی دیگرش همچون استخر بزرگ و سواره‌ی دراز و آبروهای زیر آن است. افزون بر آن، گونه‌ی کاریست که بر روی آب می‌کرده‌اند. این آب پیشتر، در گذرگاه خود و در دل تنگ، چهارده آسیاب را، یکی پس از دیگری، چرخانیده است. اکنون با کم شدن شب و هموارگشتن رویه‌ی زمین، و نمایان گشتن نخلستانها، زمان آن رسیده است که آخرین توان آب هم گرفته شود. چه اگر پای آب به نخلستانها برسد، چیزی بر جا نمی‌ماند که بتوان پس از آن، سنگ آسیابی را به گردش درآورد. اکنون هم، آب زور چندانی برای چرخانیدن سنگ آسیاب ندارد و لازم است تاکه اندازه‌ی آن فزونی یابد. پیشینیان از بیکاری آسیاب در شب، بهره گرفته‌اند و آب را به استخری انداخته‌اند که می‌تواند همه‌ی آب ساعتهاي شب را انبار نماید. اگر زمان خوابیدن آسیاب، به هنگام شب، ده ساعت باشد و جویی که به سوی آسیاب می‌رود در هر ثانیه ده لیتر آب دهد، استخری به گنجایش ۴۰۰ مترمکعب نیاز است تاکه آب شب را در خود جا دهد. گودی استخر را بهتر است از یک اندازه بیشتر نگرفت - هزینه بالا می‌رود. گودی نزدیک به یک متر و نیم، ژرفای برگزیده‌ای از برای استخر دهانه‌ی تنگ ترمون

است. براین پایه، گردی استخر ۱۸/۲ متر می‌شود. استخر آسیاب دهانه‌ی ترمون، آبگیر گردی است که سوی رو به تنگ آن در زمین کنده شده است و سوی رو به آسیاب بر روی آن بنا گردیده است. دیواره‌اش از سنگ و ساروج به کلفتی نیم متر است. در گودترین جا - رو به سوی آسیاب - روزنه‌ی کوچکی در دیوار کار گذاشته شده است که از سوی بیرون به سواره‌ی آسیاب باز می‌شود. فراخی روزنه با اندازه‌ای که آب باید در ساعتها‌ی روز پیوسته به آسیاب رود هماهنگ است. به گاه پر کردن استخر، دهانه را با پارچه و گونی می‌بندند و با مداد که آسیاب راه می‌افتد، آن را باز می‌کنند.

جویی که آب روزنه‌ی استخر را به تنوره می‌رساند، سواره ایست به درازای یک صد و دوازده متر و بلندایی بین سی سانتیمتر در آغاز و چهارمتر و هفتاد سانتیمتر در پایان. بیست و دو آبرو در بدنه‌ی سواره کار گذاشته‌اند تا سیلاب را از یک سو به سوی دیگر رد کند و پیکره‌ی سواره را سالم نگه دارد. فراخی این آبروها از ۳/۰ تا ۸/۰ متر در کف و ۴/۰ تا ۱/۲۵ متر در بلنداست. نخستین آبرو با بلندای کمی که داشته از خاک پرگشته است و بیست و یک آبرو دیگر دست نخورده، هنوز پا بر جاست و زیبایی نمای این کالبد آبی را فزونی داده است.

۳-۷- استخر آبیاری

در برخی جاهای همین که آب از تنگی پر پیچ و خم گذشت به استخری سرازیر می‌شود تا که به شب، در آن انباشته گردد و به گاه روز کار گرفته شود. این استخرها با سنگ لشه و ملات ساروج، در اندازه‌های گوناگون و با نمای گرد و یا چهار گوش، در جا به جای آبشیون شورمه‌ران ساخته شده است. گودی استخرها یک تا یک و نیم متر و گنجایش آنها، در هماهنگی با جریان و رودیشان، بین پانزده تا چهارصد متر مکعب است.

جویها و سواره‌ها و دیگر سازه‌های جا به جا کنده‌ی آب تنگها چون از کار افتاد، آب به استخر نمی‌رسد و آن را رفته ویران می‌کند. بدین سان، برخی از استخرهای آبشیونها به کنار افتاده است و برخی هنوز پا بر جاست.

فراوانی استخرهای آبیاری را بایستی نشان از گستردگی کشاورزی در این پهنه، و بهایی که مردم به آب می‌دهند، دانست. گاه از آب یک استخر، پیش از آن که به کشتزار رود، در راه اندازی آسیاب پایین دست بهره گرفته می‌شود. نمونه‌ی آن را در دهانه‌ی تندگ ترمون دیده ایم.

ریش سفیدان و کهنسالان، دشت لامرد را به روزگار گذشته، پنهانی با نخلستانهای بزرگ می‌دانند. مردم که به کار دیگر شدند، کشاورزی و باغداری از آب و تاب افتاد و نخلستانها یکی پس از دیگری خشکید.

نخلها را از تندابه سیراب می‌کردند: به دور کرتها، بیش از یک متر خاک بالا می‌آوردند و آبروها را به سوی آن می‌چرخانیدند. تندابه‌ای که در پی این روان روان می‌شد، باغ را بسان یک استخر، از آب پر می‌کرد. خاک سیراب می‌شد و نخل تا به سیل دیگر زنده می‌ماند و می‌توانست سالی دیگر را پشت سر بگذارد. روش تندابه‌ای، یکی از کهن‌ترین روش‌های آبیاری است. این روش، نسل بر نسل، در این پنهانه بر جا مانده و امروز نیز برای آبیاری شماری از نخلستانها به کار می‌رود.

تلاش آنست که تندابه را پیش از رسیدن به کرتها باغ از تندی بیاندازند و آرام نمایند، مبادا درختی را بخواباند و دیواره‌ی کرتی را ببرد. این تلاش در کشت‌های تندابه‌ای بیشتر است. گندم و جو را نمی‌توان در برابر آبهای تند گذاشت، از ریشه در می‌آید. در جلوگیری از این پیشامد شبیب آبروها را کم می‌گیرند.

گندم و جو را، بیشتر در کناره‌ی دشت می‌کارند. اگر دو یا سه تندابه بیاید و همه بر کشتزار سوار شود، کشت خوب خواهد شد. باران که بیاید مردم به تکاپو می‌افتدند تا که راه رواناب را کج کنند و آن را به روی گندمزار سرازیر کنند. آنها می‌دانند که آب باران در خاک زیاد نمی‌ماند و زود خشک می‌شود، در برابر، تندابه در زمین بیشتر فرو می‌رود و آن را بیشتر خیس می‌کند.

۳-۹ - چاه

نام بسیاری از روستاهای آبشنیون شور مهران، همچون چاه شرف، چاه بیدو و چاه خالو با چاه آغاز می‌شود. گویندکه چاه روستای چاه شرف را مردی به نام شرف زد. آن گاه که آب به رویه‌ی زمین افتاد، مردم به آنجا روی آورده‌اند و چاه شرف یک روستا شد. این چاه هنوز آباد است و آب می‌دهد.

۱- تندابه = سیل

شمار چاهها فراوان است. بدون چاه، کشاورزی و باغداری به دشواری بر می‌خورد. تا دو سه دهه پیش، آب از چاه به راه گاو چاه کشیده می‌شد و امروزه این کار را تلمبه‌های گازوئیلی و یا برقی می‌کند.

گونه‌ی دیگری از چاه در آبشاریون هست که ساخت آن به روزگار پیشین بر می‌گردد، آنها چاههایی می‌باشد که در دژها زده شده است. هریک از این چاهها، رویدادهای بسیاری را در کنار خود دیده است که با نوشتار ما کاری ندارد. اشاره‌ای کوتاه به چند دژچاه می‌تواند با زگوی دیرینگی تمدن آبی لامرد باشد.

در کنار روستای پاقلات^۱ بر فراز تپه‌ای با سازند گچساران، دژی کهن دیده می‌شود که اکنون ویرانه است. نامش نهل^۲ است. گویند شاه نهل این دژ را به زمانی بیش از هزار سال پیش، بنا نهاده است. کمی پایین‌تر از دژ در میانه‌ی کوه، چاهیست به نام چاه قلعه‌ی نهل که کدن آن نیز به شاه نهل برگردانیده شده است. اکنون با گذشت سالهای دراز، واریزهای بیشترین بخش چاه را پرکرده است. سازند گچساران که چاه در آن زده شده است، یک آبخوان نیست. از این‌رو، کدن چاه نمی‌توانسته از برای فراهم آمدن آب باشد. باید آب چاه از جای دیگر می‌آمده است.

از دیگر دژ چاههای آبشاریون شور مهران، چاه دژ دهو می‌باشد. این دژ در باغ مرکه (میانه)، در تنگه‌ی دهو، نزدیک به روستای چاه شرف جا دارد. سنگ گوری پیدا شده که روشن می‌سازد هفت‌صد و پنجاه سال پیش، این دژ برپا بوده است. دژ دهو پنجاه متر بلندا دارد.

دژ چاه در پنهانی آبشاریون شور مهران فراوان است. پارهای از آنها بسیار ژرف است. چاه سور غال، که به آن چاه ویل هم گفته می‌شود، از جمله‌ی این چاهها است. این دژ در بلندیهای جنوب شهر لامرد جا دارد. در کنارش آتشکده‌ای بوده که دیگر نشانی از آن نیست. در شمال روستای دهنو، در باخته آبشاریون شور مهران، نیز چاهی کهن در سنگ کنده شده است که ژرفای آن زیاد می‌باشد.

۳-۱۰- تهیه‌ی آب آشامیدنی

در آبشاریون شور مهران، کمتر به آب شیرین چشمها و جویها و آبرفت‌ها دسترسی است، اگر هم باشد، زود در کنارش آبادی به پا می‌شود و از آن به بهترین رو بهره می‌گیرند. چاههای

۱ - نام پا قلات گویای برپایی روستا در پای یک دژ و یا کلات است

۲ - "Nehel"

شیرین رادر باختراین دشت می یابیم. هرچه به خاور می رویم آب زیرزمینی، در کناره و میانه دشت، شورتر می شود. در برخی ریزآب‌شیونها به اندک آب شیرین بربورد می شود که آن آب تا بخواهد از تنگ خارج شود یا شور گشته و یا در خاک فرو رفته است. در یکی دو جاهم در درون تنگ، کنار آب شیرین خانه‌ها ساخته‌اند ولی کارشان در زمستان به گاه راه افتادن تندابه به دشواری برمی خورد. به دیگر روزها هم، رفت و آمد در تنگ سخت است. در جایی، به دنبال آب، اندرون کوه را تا بدانجا کنده‌اند که به غار آهکی پر آب رسیده‌اند. در آنجا، به روزگار پیش از اسلام، خانه در بلندی کوه ساخته‌اند تا دریک یورش ناخواسته، در تنگنا نیفتند. اکنون آن خانه‌ها به درد باستانشناسان می خورده بیایند و دیرینگی آن را روشن سازند و رفتار مردمان را برملا نمایند، اگر هم سکه و کوزه‌ای یافتند بردارند و به گنجینه‌ها سپارند. امروزه مردم گرایشی به زندگی در آن بن بست ندارند. آب شیرین برای آشامیدن را می‌توان در کناره‌ی دشت هم به دست آورد - آبی بسیار شیرینتر و خنکتر از آب آن کوه آهکی. کافیست برکه‌ای بزنند و رویش را بپوشانند و آب روان یافته از باران را به درونش بفرستند.

باید که مردم از زمانهای بسیار دور، به این شیوه‌ی فراهم نمودن آب شیرین دست یافته باشند. این شیوه‌ای است که در تمام جنوب به کار می‌رود. تاکسی سرو کارش به آبهای جنوب نیفتاده باشد نمی‌داند که چرا مردم آن سامان، آب برکه را گواراترین آب می‌دانند. ما به جای دیگر درباره‌ی برکه‌ها و آب انبارها سخن خواهیم گفت. آنچه اینجا در بیانش هستیم ویژگیهای آب انبارها در آب‌شیون شور مهران است.

پراکنش آب انبارها در دشت لامرد به یکسان نیست همان گونه که پراکنش مردم و شیرینی‌ی آب به یک گونه نمی‌باشد. در باختری ترین بخش از آب‌شیون مهران، سازند کنگلو مرای بختیاری، سنگ کف را می‌سازد. در اینجا آبرفتی دانه درشت تا ژرفای زیاد نهشته شده است و چون رخنمون سازندهای شورزا، همچون گچساران و میشان، کمتر هستی دارد، آبخوان آن با آب شیرین پدید آمده است. در این بخش، روستاهای با نام و نشانی چون فال، اسیر و گله دار پا گرفته است. با همه‌ی انبوه مردمی که در این جا زندگی می‌کنند، چون آب زیرزمینی، کم و بیش، شیرین است و به کار آشامیدن می‌آید، شمار آب انبارها چندان فراوان نیست. در کناره‌ی شمالی کوه هفت چاه، که جنوب دشت لامرد می‌شود، فشردگی روستاهای آنچنان است که باریکه‌ای پیوسته از آبادی در کنار هم دیده می‌شود. گاهی جدا کردن چند روستا از هم کار دشواری می‌گردد. چون انبوه مردم در این نوار زیاد است و آب برای آشامیدن گوارا نیست،

شمار آب انبارها در این گستره فراوان شده است. آب انبارهای قدیمی را با سنگ و ساروج ساخته‌اند. امروزه اگرچه بجای ساروج از سیمان و بجای نیروی گاو از نیروی لودر برای کندن زمین بهره می‌برند، در چگونگی ساخت آب انبارها دگرگونی چندانی پدید نیامده است. هنوز هم چون گذشته، آب انبار را خود مردم می‌سازند. هرکس که توانایی داشته باشد آب انباری برای همگان می‌سازد. مردم این آبشیون هنوز هم امیدی ندارند که در آینده‌ای نزدیک بتوانند آب آشامیدنی شیرین از راه لوله کشی در خانه‌های خود داشته باشند. تلاشهایی برای بیرون کشیدن آب از انباشتهای آهکی شده است که در بیشتر جاهای آب ناگوارا رسیده است. چنین است که کار آب انبار سازی به سبک گذشتگان هنوز روا داشته می‌شود و هر از چندی آب انباری نو در گوشه‌ای از پنهانی دشت سر برون می‌آورد.

آب را تنها مردمی که در آبادیها هستند نمی‌آشامند، آنان که در سفرند نیز تشنه می‌شوند و آب می‌خواهند. گرمای جان فرسای تابستان لامرد این نیاز را فزونی می‌بخشد. راه روستاهای لامرد به کرانه‌ی خلیج فارس از رشته کوه هفت چاه می‌گذرد. می‌شود یک روزه پیاده یا با الاغ از هر آبادی به کرانه رفت، داد و ستد کرد و در روزهای دیگر برگشت. بی‌گمان بخشی از تمدن پیشین و درخشان دشت لامرد، برآمده از نزدیکی به دریا بوده است. هنوز نشانه‌هایی از راههای مالرو، که ویژه‌ی رفت و آمد باز رگانان روزگار پیشین بوده است، پابرجاست. همانند راهی که از خوزی و از راه کل شنبه^۱ به بندر عسلویه می‌رسد. در گذر این راهها در جاهای برازنده، گودالهایی در سنگ در آورده‌اند، تا آب باران در آن انبار شود و مسافرین را آبی برای خوردن و سیراب کردن مالهایشان باشد. این گودالهای سنگی را چک چک می‌نامند. افزون بر چک چک‌ها، آب انبارها هم در چکاد کوه، در جایی که بتوان دمی نشست و خستگی را به در کرد، می‌ساختند.

۱۱-۳- کار در ریزآبشیونها

مردم به آزمون دریافت‌های آب را بباید به پیش از آلوده شدن به کار بست. با چنین دید است که آنان به سراغ سرشاخه‌های رود مهران رفته‌اند و همه‌ی سازه‌های بهره‌برداری از آب را در همین شاخه‌ها ساخته‌اند. آنها کار چندانی در درون دشت برروی رود مهران نکرده‌اند.

۱- کل "Kal" در زبان مردم لامرد به معنای بریدگی کوه است

هریک از این شاخه‌ها آبراهه‌ی مادر یک ریزآبشنیون است. شمار ریزآبشنیونها در پنهانی لامرد بسیار است. آنان که در کوههای جنوبی دشت جا گرفته است، گستره‌ی پهنتری دارد. میانگین پهنای در ریزآبشنیونهای جنوبی ۱۷ و در ریزآبشنیونهای شمالی ۸ کیلومتر مربع است.

کوههای سرشاخه‌های رود مهران در دو سوی دشت لامرد، از بلندی تا به کف، سازندهای سنگی، گچی، مارنی و کنگلومرایی دارد. سازندهای سخت و سنگی، بخش‌های بلند و تیغه‌ای ریزآبشنیونها را می‌سازد و سازندهای سست، گستره‌های پست را پوشش می‌دهد. سازند آهکی و سخت آسماری جهرم در چکاد کوهها و بلندیهای آبشنیون رخنمون می‌یابد. دره‌های پدید آمده، در آن کم پهنا و دیوارهای تیغ مانند است و چون شکستگی و خوردشدنی اش فراوان می‌باشد، پذیرای فروکشی آب گشته، کمتر آبی را بر روی زمین به راه می‌اندازد. در این سازند، فشرده‌گی آبراهه‌ها کم است. کمتر نشانی از سازندهای بهره‌برداری آب را در این بخش از ریزآبشنونها می‌توان دید.

پس از سازند آسماری جهرم، سازندهای گروه فارس - در برگیرنده‌ی گچساران، میشان و آغازاری - جا دارد. سازند گچساران درست بر روی آهکهای آسماری جهرم پوشش پافته است و رخنمونی گستردۀ دارد. دست آورده شبر روی سفره‌ی آب دشت لامرد زیان بار می‌باشد. و چون سازندی آلوده کننده و سخت فرسایش پذیر است، کمتر سازه‌ای بر روی آن ساخته می‌شود.

سازند میشان در برگیرنده‌ی نهشته‌های دریایی کم ژرف است که زیر سازند آغازاری جا می‌گیرد. میشان دو بخش آهکی و مارنی دارد. بخش آهکی را - که در زیر جا می‌گیرد - پاره‌ی گوری می‌نامند. بر روی این سنگ آهک، مارنهای دریایی خاکستری رنگ و لایه‌های نازکی از سنگ آهک جا دارد. بخش مارنی میشان، آورده زیان بار برای سفره‌های آب زیرزمینی آبشنیون شور مهران دارد. اما پاره‌ی گوری، در برپایی آبخوان آب شیرین کارساز می‌باشد. گچ و نمک می‌تواند با مارن همراه باشد. مارنهای گچی و نمکی میشان، همچون نوار، دامنه‌ی بلندیهای جنوب دشت را پوشانده است.

شماری از سازه‌های آبی بر روی پاره‌ی گوری سازند میشان ساخته شده است. این بخش آهکی است که آب چشمۀ‌های دشت را، همانند آنچه در تنگه‌های مهر، ترمون و خوزی است، می‌دهد. و از همین جاست که کار در ریزآبشنونها آغاز می‌گردد.

بر روی سازند میشان سازند آگاجاری نهشته شده که آرایشی از مارنهای لای دار در بینابین لایهای ماسه سنگی دارد. شمار چشمگیری از بندها برروی این لایهای ماسه سنگی، که چرم خوانده می‌شود، ساخته شده است.

در پی‌ی همه‌ی این سازندها، کنگلومرای بختیاری - جوانترین سازند زمین شناسی این آبشاریون - رخمنون یافته است. این سازند سراسر باریکه‌ی جنوبی داشت از گله دار تا به لامرد را در بر دارد. دهانه‌ی ریزآبشاریونها در این سازند جاگرفته است و چون سازندی سخت و پایدار می‌باشد پهنانی دهانه کوچک مانده، دیواره‌های آن بلند و شاغولی است. بیشتر جوی‌ها را، با کندن آب دلان‌ها از این دهانه‌ها گذر داده‌اند.

با همه‌ی یکنواختی‌های ریزآبشاریونها، گونه‌گونی در: پستی و بلندی، پهناوری، میزان آبدی و شوری آب، موسمی و همیشگی بودن آبراهه‌ها، روش‌های جوراچوری را در بهره‌گیری از آب روان هر ریزآبشاریون پدید آورده است. در این راستا:

- بندهای تنگ ترمون، آسیابهای دو سوی خود را راه‌انداخت.

- در تنگ آب کوهی بندها زده شد تا پهنه‌ها از برای نخلستانها پدید آید و خاکی که نیو، بود یابد.

- در تنگ مهر، چون کف دره‌اندکی پایین افتاد و باغهای کناره به تهدید تندا به در آمد، بندها زده شد تا کف دره پایدار گردد و خاک باغها درجا بماند.

- تنگ آب ماهی به سدی بلند نیاز داشت تا پهنه‌ای بزرگ از برای باغ بسازد و آبی فراوان در لابه لای خاک نهشته شده به پشت خود نگه دارد.

- در تنگ پسبند، بهره‌برداری از انباشته‌های آبی درون سازند آهک بهترین گزینه شد. کتنی^۱ در دل سنگهای آهکی کوه زده شد تا آب را راه دهد و بیش از یک کیلومتر جوی و آباره و

۱- کتن (با زیر نخست) در زبان محلی = قنات
در شیراز هم زمانی این واژه به کار رفته است: کت سعدی، که همان قنات سعدی باشد. اگر این واژه را با انگلیسی از یک ریشه بداییم به راه نادرست نرفته ایم چه هر دو معنی کنده شده را می‌دهد. نباید گمان به امانتی بودن این واژه در یکی از زبانها برد چه آنکه هر دو به زمانی بر می‌گردد که پدرانمان به یک جا می‌زیستند و به یک زبان سخن می‌گفتند.

سواره و آب دالان ساخته شد تا که آب به دشت رسد.

۱۱-۳- تنگ ترمون - جایگاه چرخش آسیابها

تنگ ترمون گذرگاه رواناب آبشیونی کوچک، به پهناوری ده کیلومتر مربع، است. دهانه‌ی این آبشیون که سیلاب تنگ ترمون را به دشت لامرد می‌رساند، دره‌ی کم پهنازی در سازند کنگلومرای بختیاری است و راهش تا به شهر لامرد نه کیلومتر می‌باشد. بلندای دهانه‌ی تنگ ترمون از پهنه‌ی آب دریا پانصد و سی متر و در بلندترین چکاد کوه یکهزار و دویست و هفتاد و شش متر است. میانگین باران سالانه‌ی آن نزدیک به سیصد و پنجاه میلیمتر می‌باشد. شاخه‌ی اصلی ریزآبشیون ترمون ۳ کیلومتر درازا دارد. آب آن از چشممه‌ای با آبدیهی ده تا بیست لیتر در ثانیه می‌باشد. آب در درازای روندگی خود هم آسیابها را راه می‌انداخته و هم نخیلات بسیاری را در کف تنگ آب می‌داده است.

فرسایش در سازندهای سست، گشادگیهایی را در کناره‌ی رودخانه‌ی دره‌ی ترمون پدید آورده است. این بازشده‌گیها زمین را هموار کرده، نخلستانهای انبوه و سرسبزی را در دل خود جای داده است. سرسبزی نخلستان و پیدایی نیستان در پهنه‌ی پشت بندها، همراه با روندگی آب و صدای ریزش آن از بندها، زیبایی دل‌انگیزی را در جاهایی از تنگ، آن هم در دل سیرزمنین سوزان و خشک لامرد پدید آورده است.

چنین است که مردم روستای ترمون، بهار و تابستان را در آخر تنگ، در کنار چشممه به باغداری می‌گذرانند و از خنکی هوای آنجا، در برابری با هوای گرم لامرد، بیشترین بهره را می‌برند.

آب چشممه نیمی از درازای تنگ - از سرچشممه تا به دشت لامرد - را از بین نخلستانها و نیمی دیگر را از میان دره‌های خشک و پرپیچ و خم ترمون گذر می‌نماید. با این ویژگی، چاره و کاربرد آب در این دره به یک گونه نیست. آنجا که نخل است آب به راه بند برگردان روی زمین می‌رود. بزرگترین بند تنگ به بلندای نزدیک به ۷ متر و درازای ۲۰ متر در این بخش جا گرفته است. این تنها سازه‌ی آبی دره ترمون است که هنوز بهره می‌دهد. بارها بازسازی شده است و امروزه استوار و پابرجاست. دیگر سازه‌ها، همچون بندهای برگردان آسیابها، سواره‌ها و آب دالان‌ها و جوی‌های آبرسان به کنار افتاده است.

با دگرگون شدن چهره‌ی دره، از پنهانی سبز و پر درخت به باریکه‌ای خشک، شمار بندها به یکباره فزونی می‌یابد که این بار نه از برای آبیاری نخل است که برای چرخانیدن سنگ آسیابهایی می‌باشد که در پی‌ی هر بند ساخته شده است. هر بند، آبگیری است که آب را از دو سو به دوجوی می‌فرستد. جویها پس از گذری کوتاه، هر کدام به آسیابی بلند می‌رسد. برخی از آسیابها هنوز سالم و پابرجا است و نشان می‌دهد که تا گذشته ای نه چندان دور، از آنها بهره می‌گرفته‌اند. بارها آرایش سه گانه‌ی فراهم سازی، جابه‌جایی و بهره‌گیری از توان آب در ساختمان‌های بند برگردان، جوی و آسیاب خود را نشان داده است. در دره‌ی ترمون چهار ده آسیاب و پنج بند شناسایی گردید. آخرین بند در دره‌ی پر پیچ و خم ترمون، بند زیبا و پابرجایی است که در راهی کوتاه از دهانه‌ی تنگ جاگرفته است، بلندای آن نزدیک به دو متر و درازای آن ۱۲ متر است، کمان مانند به تکیه گاههایش دوخته شده و برایش ستونهای نگهدارنده در میان و کنار ساخته‌اند. چنین بر می‌آید که این بند، افزون بر تهیه‌ی آب برای آسیابی که در پایین دست دارد، کار آبرسانی به نخلستانهای روستای ترمون را در دشت نیز انجام می‌داده است. گذر آب از این بند تا به دهانه‌ی تنگ، بیشتر از درون آب دلانهایی بوده که در سازند کنگلومرا بختیاری کنده شده است.

۱۱-۳- تنگ مهر - جایگاه بندهای نگهدارنده‌ی خاک

نام مهر^۱ را بیشتر کسانی که از دیرباز به دشت لامرد^۲ رفته‌اند شنیده‌اند. آبادی بزرگیست با دیرینگی بسیار. مردمان تلاشگری دارد که از پدران خویش نخلستانهای بسیار و هنر نگهداری از آنها را نسل در نسل دریافت داشته‌اند.

این آبادی به سوی کوه جنوبی، تنگی پر از نخل دارد. از کف دره، آبی باندازه‌ی چند ده لیتر در ثانیه می‌گذرد. این تنگ را، همچون دیگر تنگها، با نام روستایی که در دهانه‌ی تنگ است می‌خوانند.

تنگ مهر، ورای تنگهای دیگر آبشیون شور مهران است. در کف تنگ به هرجا نخل است و جایی هم به ساختمان یک روستا ویژگی یافته است. زمستان و تابستان، در این تنگ رفت و آمد

"Mohr" - ۱

۲- دشت لامرد را در این جایگاه، به روزگار قاجار، بیخه‌ی فال می‌نامیدند.

است و خرج نان و خوراک گروهی از مردمان این روستا و همچنین آبادی مهر را همین تنگ دهد. چنین است که در زنده نگه داشتن آن، تلاش بسیار شده است.

بود یک رودخانه با آب همیشگی و رونده در کف تنگ، چگونگی پستی و بلندی در کناره رودخانه و گونه‌ی خاکهای کف دره، چنان است که جز با برپایی چندین بند پیاپی، چهره زیبای تنگ پیدایی نمی‌یافتد.

در این تنگ ۹ بند، چند آسیاب و استخر آبیاری دیده شده است. بندها از سنگ و ساروج است و دیرینگی آنها به صدها سال پیش برمی‌گردد. هرگاه کاستی در یکی پدید می‌آمد، دستی پیدا می‌شد که بر آن کشیده شود و پابرجایش نگه دارد.

بندهای این تنگ، همانند بندهای دیگر تنگها برای چند آرمان ساخته شده است. آرمانهایی که در این تنگ، از برای بندها دنبال شده است چنین می‌باشد:

- نگه داشتن خاک نخلستانهای دو کرانه‌ی رودخانه،

- پیدایی پهنه‌ها از برای برپایی باغ،

- بالا آوردن رویه‌ی آب تا که بتوان با غهای آبخور بند را آب داد،

- رها نمودن بخشی از آب از برای آبیاری زمینهای پایین رودخانه،

- نگه داشتن آب در آبرفت پشت بند و رها کردن آن در درازای سال، تا که آب رودخانه فزونی یابد.

تلاش مردمان براین بوده که سازه‌ها را به جایی استوار بنا کنند، ولی چه می‌شود کرد اگر در رهگذر آب، سازند سست زمین بسیار باشد و بباید که در همان جاها بندهایی زد تا کف دره گودتر نشود و خاک کناره‌ی آبراهه فرو نریزد. سازند سست و ناپایدار می‌شان، در تنگ، گستردگی دارد. چنین است که چند بند، بدنبال نا استواری پی و تکیه‌گاه شکسته شده و ویران گردیده است. با این همه هرجا که در خور زدن بندی استوار بوده، از دید چاره جویان آب پنهان نماند و همان جا بندی زده‌اند.

اولین بند، از سوی بالا دست، بزرگترین بند این تنگ است، ۳۰/۵ متر درازا، ۲/۲ متر بلندی و ۰/۸ متر پهنا در تاج دارد. دیگر بندهای تنگ، بلندایی بین ۱/۵ تا ۱/۰ متر و درازایی کمتر از ۲۵ متر دارد. هم اکنون ۵ بند تنگ، کارا بوده و ۴ بند آن از کار افتاده است.

سرسیزی امروزه‌ی تنگ مهر را بایستی برآمده از تلاش مردمی دانست که در گذشته‌های دور، به برپایی این سازه پرداخته‌اند. امروزه که تنگ تنها پنج بند آباد دارد، این چنین سرسیز

است و آن روز که هر نه بند کار می‌کرد بی گمان که دامنه‌ی نخلستانها فزونتر می‌بود.

۱۱-۳- تنگ آب ماهی - جایگاه سربه آسمان کشیدن یک سد

در جست و جوی نشانه‌های برجا مانده از تمدن آبی‌ی لامرد، به سدی بلند و دیرپا، سالم و استوار، در تنگ آب ماهی برخورد شد. جایگاه آن در ۶ کیلومتری جنوب شهر اشکنان است. آبشاریون تنگ آب ماهی کوچک است و تندا بهی آن از بلندیهای لاورستان می‌آید. پارهای از ویژگیهای این آبشاریون چنین است:

پهناوری: ۱۴ کیلومترمربع

پیرامون: ۱۷ کیلومتر

درازای درازترین آبراهه: ۵/۵ کیلومتر

بلندای بلندترین جای آبشاریون: ۱۲۰۰ متراز پهنه‌ی دریا

بلندای دهانه‌ی تنگ: ۵۰۰ متراز پهنه‌ی دریا

میانگین بلندای آبشاریون: ۸۱۰ متراز پهنه‌ی دریا

میانگین شیب کف آبشاریون: ۷ درصد

سد آب ماهی، سرریزی وزنی، ساخته شده از سنگ و ساروج می‌باشد که به بلندای ۲۱ متر در دره‌ای تنگ و کم پهنا بنا شده است. تکیه گاهها سازند آهکی می‌باشد که از پایدارترین سازندها در پهنه‌ی آبشاریون شور مهران است. گنجایش آبگیر پشت سد نزدیک ۲ میلیون مترمکعب می‌باشد که همه‌ی آن از آبرفت پرگشته است. با فرو روی آب رودخانه به درون این، نهشته‌ها، آبخوانی پدید گشته است که رودخانه را در پایین دست، در درازای سال، آب می‌دهد. برروی این آبرفت درختان زده‌اند و باعی برپا کرده‌اند. تندا ب تنه‌ی درختان را در سوی روندگی خود خمنوده است.

سد سنگ و ساروجی آب کوهی، کمانی است و دو سوی آن به سنگهای کوههای تکیه گاه دوخته شده است. درازای این کمان ۱۵ متر و پهناش در تاج ۱/۸ متر است. رویه‌ی پایاب سد، شاغولی است و رویه‌ی سراب آن در خاک نهان است، به گمان زیاد که پلکانی باشد. این گمان را، هم ویژگیهای پایداری، و هم کاربرد پله در پشت سد گلوگمپو-که به دوری پنجاه کیلومتر از سد آب ماهی است - پدید آورده است.

سد را به جایگاهی در خور پایندگی ساخته‌اند. تکیه گاهها پایدار و استوار است. دهانه، تنگ می‌باشد و افزون بر آن، پیش بندی خدا آفرین دارد که به دوری ۳۰ متر از پایاب سد است. این پیش بند دو متر بلند دارد و حوضچه‌ی آرامش را برای سد پدید آورده است.

۴-۱۱-۳- تنگ کودیان - جایگاه بربایی هنر پویا کردن رودخانه

در جنوب رود شور مهران، آنجا که درازای خاوری ۵۳ درجه و ۴۰ دقیقه و پهناهی شمالی ۲۷ درجه و ۱۲ دقیقه می‌باشد، روستای کودیان جاگرفته است. بلندیهای جنوب این روستا، تنگی را دربر می‌گیرد که ریزآبشاری به پهناوری ۵۰ کیلومتر مربع دارد. در برابری با دیگر ریزآبشاریهای شور مهران، این یکی پهناورتر است. باران که ببارد روزی آب در کف دره هست و روزهای دیگر نیست. آن روز هم که هست همه چیز را به هم می‌ریزد. افسوس که نیاز به آب در روزهای بی آبی است. چاره‌ای باید کرد تا بتوان از آب زودگذر کف دره بهره گرفت. اندیشه کرده‌اند تا که آب را در خاک فرو بزنند و به روزها و ماههای آینده رفته باز گیرند. در این راستا، چهار بند، هریک به دوری دویست تا سیصد متر از دیگری، در درازای تنگ ساخته‌اند. آب در آبرفت نهشته شده به پشت هر بند جا می‌گیرد و از روزنه‌هایی که در کالبد بند جا گذارده آرام آرام بیرون می‌ریزد. جوی کوچکی، آب را می‌گیرد و از کف دره در کناره‌ی کوه، تابه بند پیش رو می‌رساند. در آنجا از روی کناره سرریز به جوی دیگری می‌ریزد. این جوی زه آب بند دوم را از روزنه‌ی درون کالبد بند دریافت می‌دارد. با این کار، آب انبار شده در نهشته‌ی پشت بندها در درازای سال آزاد شده و به جویی راه می‌یابد که خود را به کشتزارهای بیرون تنگ می‌رساند. مردم آن سامان، روزنه‌های درون بندی بند را دلک می‌نامند که همان دریچه می‌باشد. دلک دلی است در کالبد بند که بجای خون آب می‌تراود.

اولین بند تنگ، از سوی بالادست، سه کیلومتر تا روستای کودیان راه دارد. برای دستیابی به آن، پس از گذر از دو هزار و هشتصد متر کف دره، باید از تیغه‌ی کوهی در پهلوی چپ بند دوم بالا رفت و این کار ساده‌ای نیست. بنا به گفته‌ی راهنمای، درازای تاج اولین بند نزدیک پانزده مترو و بلندای آن نزدیک $\frac{3}{5}$ متر می‌باشد و بند با سنگ و ساروج ساخته شده است.

دومین بند را دویست متر پایینتر از بند اول، در شکاف یک کوه بنا کرده‌اند، جایی که دو سوی کوه در کف یک متر، در میانه ۴ متر و پس از آن با پدید آمدن سکویی در دو سو، ۹ متر از هم بازشده است و فراخی شکاف با بالا رفتن، بیشتر هم می‌شود.

بند را بروی چند تخته سنگ بزرگ فرو ریخته در شکاف دو کوه ساخته‌اند. بلندای بند از تاج تا به رویه زمین پایاب $11\frac{1}{3}$ متر است که آن را بدنی سنگ و ساروجی بندو $3\frac{2}{3}$ دیگر را تخته سنگ‌های فروریخته دربر می‌گیرد. پهنانی تاج $1\frac{1}{4}$ متر و درازی آن ۹ متر می‌باشد. به گاه تندآبه، آب از روی سرریز پابین می‌ریزد و در نبود آن، آب فرورفته در نهشته‌های پشت بند آرام آرام از لابه لای سنگ زیر پای بند به درون گودال ژرف پایین دست زه می‌کند. این گودال را چل^۱ می‌نامند. گفته می‌شود که در گذشته، بند را دارچل می‌نامیده‌اند. کسی گودی چل نمی‌داند، شناگری هم تاکنون نتوانسته به بن آن برسد. به گمان زیاد، آب چل از زه آب بیش از یازده متر نهشته‌های پشت این بند و همچنین نهشته‌های بند بالادست فراهم می‌آید. چل در همه روزهای سال، از آب لبالب است. جویی ساروجی، سرریز آب چل را از سوی چپ به بند سوم راه می‌برد. با این کار، تلاش شده است تا از پهن شدن زه آب بند در بستر دره جلوگیری گردد، مبادا چکه‌ی آبی، زیاده هوا شود.

بند سوم به دوری دویست متر از بند دوم، برروی بستر آهک مارنی می‌شان ساخته شده است. بلندای آن $2\frac{1}{5}$ متر از کف دره و درازایش 16 متر در تاج و 5 متر در برخورد با بستر رودخانه است. کلفتی بند برروی شالوده 14 متر است که تا بلندای $1\frac{1}{5}$ متری کف بستر همین اندازه می‌باشد. در این بلندای پله‌ای در پایاب کار گذارده‌اند که کلفتی را به $0\cdot9$ متر می‌رساند. این کلفتی تا به روی تاج همین نو دسانتمتر است. بند را از سنگ و ساروج به گونه‌ای کمانی ساخته‌اند و پوششی از ساروج برروی بدن آن کشیده‌اند. تکیه گاهها دارای همان درونمایه‌ی بستر است. در پایاب پنج ستون کمکی نیمه مخروطی بدن را پایداری بخشیده است. در نمای پایاب، در پهلوی چپ، دو روزنه‌ی دلک در دو راستا به دوری 80 سانتیمتر از یکدیگر ساخته شده است. به هنگام دیدار، زهکش بالایی کار می‌کرد و زهکش پایینی خشک بود. آب دلک بالایی به جویی می‌ریخت ولی از برای دلک پائینی جویی دیده نشده بود. گمان که آن دلک به گاه ساخت جوی کور بوده است.

سیصد متر پس از آنکه تندآبه از نهر سوم رها شود باز به بند می‌افتد. بند چهارم را در جایی ساخته‌اند که بستر و تکیه گاهها، از ماسه سنگ آگاجاری است. این بند همانند بندهای پیشین از گروه سنگ‌های رودخانه همراه با ملات ساروج ساخته شده است. بندی است با تاجی به درازی

۱۵ متر و پهنه‌ای ۸۰ سانتیمتر و بلندای ۲ متر. پنج ستون کمکی به شکل مخروط در پایاب، بند را استوارتر نموده است. در هر دو پهلوی بند دلکی جا گرفته است تا که آب فرورفته در نهشته‌های پشت بند را زه نماید. پهنا و بلندای روزنه‌ها ۲۰ و ۳۰ سانتیمتر می‌باشد. زه آب هر دو دلک به دو جوی می‌ریزد که آغازگاه هریک از همان ریزشگاه است. افزون بر زه آب بند، آب جویی که از چل می‌آید از روی کناره‌ی سرریز به جوی پهلوی چپ بند می‌ریزد. همه‌ی آب جوی پهلوی دیگر بند، از زه این بند به دست می‌آید. مردم آنجا، جوی را فاریا ب می‌گویند. هریک از فاریا بها پس از چهارمین بند بیش از دوهزار و دویست متر جلو می‌رود تا به دشت برسد و آب گرد آمده را به روی کشتزارها بگستراند. افسوس که هر دو فاریا ب در درازای زمان ویران شده است. آنچه به جا مانده می‌تواند ویژگیهای جوی را روشن سازد: بنایش از سنگ و ساروج است، پهنه‌ای کف بیست سانتیمتر و بلندای دیواره‌های دو پهلو سیزده سانتیمتر بوده است.

دیرینگی بناهای آبی این تنگ، بنا به گفته‌ی مردمان روستای کودیان، به دوره‌ی گبر می‌رسد.

۱۱-۳-۳- تنگ پسبند - نمایشی از هنر آبیابی

روستای پسند در جنوب خاوری دشت لامرد با ویژگی جغرافیایی $53^{\circ}42'$ درازای خاوری و $27^{\circ}12'$ پهنه‌ای شمالی جادارد. از کنار این روستا جویی باریک با آبی ناچیز - نزدیک به ده لیتر در ثانیه - می‌گذرد تا که کشتزارهای تشنۀ پیرامون روستارا آب دهد. شیرینی این آب در درازای سال به یک سان است و این نشان از آن دارد که جای برآمدن و گذشتن آب در سازندهایی است که آب را شور نمی‌کند. این آب از آهکهای بلندیهای کوه تاچیر در جنوب روستای پسبند گرفته می‌شود. گرچه آب برخی دیگر تنگها نیز از آهک است ولی چگونگی تهیه‌ی آب در تنگ پسبند با دیگر جاها یکی نمی‌باشد. در برخی تنگها آب از چشمه‌های کف زمین برمی‌آید و همانجا نمایان می‌شود. در تنگ پسبند، آب برای یک کاریز از درون کوهی آهکی بیرون آمده تا سیصد متر زیرزمین پیش می‌رود تا که به جایی نمایان گردد. اینکه چگونه به بود آب در این آهک پی برده شد، دانسته نیست. شاید که پیش از کندن کوره‌ی کاریز در دل کوه، نشانی آشکار، از آب در کناره‌ی آن بوده است. آنچه آشکار است، بود خانه‌های کهن به چکاد کوهی بس بلند و بود پله‌هایی در سینه‌ی آن کوه، در برابر جایی است که کاریز از دل کوه بیرون می‌آید. بدون تردید این خانه‌ها از آن کسانی بوده است که از این آب تا به روزگار کهن بهره‌ها می‌گرفته‌اند. امروزه

مردم، آن خانه‌ها را خانه‌های گبری می‌نامند.

درازای راه از جای رخمنون آب کاریز تابه دشت، بیش از یک کیلومتر می‌باشد که پراز پیچ و خم است. برای رساندن آب به کشتزارهای دشت، جویی از سنگ و ساروج ساخته‌اند که گاه از روی سواره‌ای سرپوشیده و یا سرباز می‌گذرد، گاه آب دلانی در دل کوه می‌شود و گاه بر بستر زمین جای می‌گیرد.

آب شیرین و گوارایی، که بدینگونه از دل کوه بیرون آمد، آن اندازه ارزشمند است که هیچ‌گاه دل مردم از آن کنده نشود. هرگاه سازه‌ای در درازای راه ویران می‌شد خیراندیشی پیدا می‌گردید تا دوباره آن را به پا دارد. چنین است که در کنار جویها و سازه‌های امروزی، چند جوی و یا سازه‌ی دیگر دیده می‌شود که به دوره‌ای از گذشته بر می‌گردد. بهنگام بازسازی، گاه همان گذرگاه پیشین برگزیده می‌شد و روی همان سازه کار می‌گردید و گاه در کنار آن بنایی تازه می‌ساختند. جایه جایی گذرگاه هم در یکی دو جایده شده است.

سواره‌ها بیشتر بر روی رخمنون ماسه سنگی ساخته شده است. دلانها هم در چنین سازندی تراش یافته است. در میانه‌ی گذرگاه، جایی که تابه دشت ۲ کیلومتر راه است و جوی باید در آنجا پایین بیفت، آسیابی برپا شده است تا هم از بلندای جوی کاسته گردد و هم از توان آب بهره گرفته شود.

کمی پائین‌تر، بر روی آبراهه‌ای که از سوی راست می‌آید، آباره‌ای برپا شده تا که تندآبه آسیبی به سواره نرساند، آبراهه از زیر می‌گذرد و جوی آب از بالا. در کناره‌ی جویی که از پس آباره آغاز می‌گردد، بر روی سینه‌ی کوه، در ساروج، تاریخ ۱۳۵۳ در آورده‌اند تا نشان از زمان یکی از دستکاریها باشد. از این پس، جوی از کناره‌ی کوه به پهنه‌ی مخروط افکنه‌ی جنوب روستای پسبند می‌افتد. در این پهنه است که شاخه‌های چندی از جوی جدا می‌گردد و هریک به آسیابی برده می‌شود. تنها جوی میانی است که برای آبیاری کشتزارها به سوی دشت کشانده شده است. گرچه در کنار همین جوی، ویرانه‌ی جویهای دوره‌های گذشته دیده می‌شود.

بر سر راه همین جوی، آباره‌ی بلند پسبند ساخته شده است. ویژگیهای این آباره را در جای دیگر نوشته‌ایم.

جویها و سازه‌ها به همت خیراندیشان روستا، گاه به گاه از نو ساخته می‌شود. برخی کسان به کشورهای کرانه‌ی جنوبی خلیج فارس می‌روند تا در آن جا اندوخته‌ای فراهم کنند و بخشی از آن را در آبادانی روستای خود هزینه نمایند. همین بخش از اندوخته است که یکی دو بار به

هزینه‌ی همگرد آبی‌ی تنگ، درآمده، آن را از ویرانی به در آورده است.

۶-۱۱-۳-اهلان - نمایشی از جایه جایی آب

اهل^۱ یکی از روستاهای دیرپای بخش اشکنان شهرستان لامرد است که در درازای خاوری ۵۳°۱۰' و پهنه‌ی شمالی ۱۳°۲۷' در دهانه‌ی تنگی به پهناوری ۵۰ کیلومتر مربع جا دارد. تنگ را اهلان^۲ نامند. در زمان دیدار (دی ۱۳۷۴)، آبی نزدیک به ۴۰ لیتر در ثانیه داشت که با راه یافتن به پایین دست، رفته رفته در زمین فرو می‌رفت و از اندازه‌ی آن کم می‌گردید. نزدیک به یک کیلومتری دشت، هر آنچه آب بر زمین روان بود به یکباره فرو رفت. جنب و جوش ماهیهای ۷ تا ۸ سانتیمتری در آب رودخانه نشان از همیشگی بودن روندگی آب دارد. در آن زمان آب شیرین و آشامیدنی بود. گفته شده است که در سالهای خشک و یا ماههای گرم سال، از شیرینی آن کم می‌گردد. بود چنین آبی در سامانی گرم و خشک - همچون دشت لامرد، آن اندازه ارزش دارد که برایش دست به هر کاری زد و سرمایه را هزینه کرد.

این تنگ را سه بند پوشش می‌داده است:

بند اول در ۴/۷ کیلومتری روستای اهل، در جایی که تندا به از بریدگی کوه می‌گزدد، ساخته شده است. تکیه گاهها، بخش آهکی گوری سازند می‌شان است. این بند از میان شکسته است و نهشته‌های پشت آن، با آب رفته است.

همه‌ی بند دوم را آب برده است، تنها دو کناره‌ی آن به جاست که نشانه‌ی بود چنین بندی، در گذشته، است.

سرانجام به آخرین بند می‌رسیم که از روستا ۲/۸ کیلومتری دور است. بستر و دو پهلوی این بند را ماسه سنگ آغازگاری دربرگرفته است. این بند هنوز پایدار مانده است. بلندایش ۳/۲ متر و درازایش ۲۵ متر می‌باشد. دو دلان در دو سو دارد که از برای آبگیری در کوه کنده شده است. امروزه آبی وارد این دلانها نمی‌شود. خوردگی بند در تاج و پایین افتادن رویه‌ی آن و کنده شدن چند سنگ در میانه، همه‌ی آب را از رویه و میانه‌ی بند به سوی پایاب گذر می‌دهد و نمی‌گذارد تا پهنه‌ی آب آن اندازه بالا آید که به پای دلان برسد. بلندای دلانها نزدیک به ۸۰ سانتیمتر و پهنه‌ی آنها ۶۰ سانتیمتر است.

دالان پهلوی چپ بند و دنباله‌ی، گاه روباز و گاه سرپوشیده‌ی، آن ۱/۵ کیلومتر پیش می‌رود تا به زمینهای کشاورزی نزدیک روستای اهل برسد. جویی که این آب را به کشتزارها می‌برد جایی سواره است و جایی دالان. جلو آمدگیهای سینه‌ی کوه را با یک دالان و یا کوره شکافته‌اند تا جوی بتواند روبه روی سواره‌ای درآید که در جلو پس رفتگی‌ها ساخته شده است. و بدین سان صدها متر سواره و کوره در کنار هم کشیده است تا جویی، کم و بیش راست، در سینه‌ی کوه پدید آید. سواره‌ها، چون دیگر بناهای دیرین این سامان، با سنگ و ساروج ساخته شده است. دالانها هم در ماسه سنگ آغاچاری تراش یافته است. پیدایی و پنهانی دالانها و سواره‌ها، در کنار هم، نمای ویژه‌ای به سینه‌ی کوه داده است. از دور دست که نگاه شود چند متری دیواره‌ی دست ساخت دیده می‌شود که سوراخی به دنبال دارد. آن سوی برآمدگی کوه باز چند متر دیواره‌ی سنگ و ساروجی و سوراخی دیگر. سوراخها یکی پشت سر دیگری دیده می‌شود. گاه ده پانزده سوراخ پشت سرهم در یک نگاه می‌آید که یک سوی سوراخ را نشان می‌دهد. سوی درون رفتن آب و یا سوی بیرون آمدن آن.

از بند سوم به سوی پایین دست، رفته رفته، بلندای جوی از بستر رودخانه بیشتر می‌شود، آن گونه که پس از دویست متر، به بلندای ۷ تا ۸ متری از کف رودخانه می‌رسد. هرچه جوی جلوتر می‌رود بلندای آن بیشتر می‌شود. این جوی پیش از سازی شدن به سوی زمینهای دامنه‌ای و آبرفتی سوار بر روستای اهل، با گذر از یک آباره‌ی کوتاه، وارد قناتی به درازی یک کیلومتر می‌شود. یک آسیاب به پیش از آباره و آب انباری پس از نمایان شدن آب قنات ساخته‌اند تا آب را به گاه نیاز چپ کنند و به راه دیگر برند. آنچه اینجا قنات نامیده شده، خود یک آبدالان دراز است. آب برده‌ی سواره می‌تواند بلندای آن را در نوسازی‌ها کم و زیاد کند. با این دگرجایی، آباره هم جابه جا می‌شود و دهانه‌ی قنات از جایی به جای دیگر و از بلندایی به بلندایی دیگر می‌رود. یک کوره‌ی قنات که از کار افتاد، میله‌های آن از خاک پر می‌شود. دهانه‌های قناتها ۷ متر پایینتر از سواره‌ی سینه‌ی کوه است و این نشان می‌دهد که بالا کشیدن سواره از کف رودخانه، نه تنها برای سوارشدن بر روی زمینها بوده است، که دیگر ویژگیهای کوه نیز در این راه کارگر افتاده است.

در دنباله‌ی سوراخ پهلوی راست بند سوم، سوراخ دیگری دیده نشد. تنها همان یک دالان بود که کوره‌ی آن جلو می‌رفت و جایی نمایان نمی‌شد. گمان که این کوره در نیمه‌ی راه کور شده باشد. گمان دیگری هم می‌توان زد و آن اینکه از یک آبشاریون به آبشاریون دیگر رفته باشد، گرچه نمی‌توان به استواری این گمان زیاد اندیشید.

آب کوهی نام یک تنگ است در ۲۵ کیلومتری شمال خاوری شهر لامرد. گمان که ابتدا نام آب قناتی بوده که از کوه شمالی- بنام کوهی می‌آمده است. آب کوهی آبشاری کوچک دارد به پهناوری ۷/۶ کیلومترمربع که چهار بند کهن در راهی کوتاه در آن بیا شده است. سازه‌های آبی دیگری در این تنگ است، از آن میان:

الف - رشته قناتی که از بالادست بند اول، از سوی کوه کوهی، آغاز شده، به سوی دیگر بندهای پایین دست کشیده شده است و جای دو میله از آن پیداست. یکی در پایی بند اول و دیگری در بیست و یک متری پایین تر از آن. امروزه هر دوی آنها از خاک پرگشته و تنها دهانه‌ها پیداست. می‌گویند که قنات تا ۴۰ سال پیش آباد بوده، آب آن در میله‌ی دوم آفتایی می‌شده است.

ب - جویی به درازای ۱/۵ کیلومتر که بخشی از آن سالم مانده و بخش دگرش ویران گشته است. آن را استادانه از کناره کوه گذر داده‌اند و در راهش دلان‌ها تراشیده و سوراه‌ها به پا کرده‌اند.

ج - یک استخر آبیاری که در پایانه‌ی جوی ساخته شده است تا شب هنگام از آب جوی پر شود و به گاه روز آب بیشتری را به سوی کشتزارها فرستد.

آرایش این سازه‌ها در کنار هم، همگردی زیبا در بهره‌برداری از آب و خاک این تنگ پدید آورده است.

پشت نخستین بند از بالادست را آبرفت پر کرده است و آبخوان کوچکی را پدید آورده است. بند را هم برای آبدهی بیشتر قناتی که از راهش می‌گزند و هم برای برپایی یک پهنه ساخته‌اند. بند در دو دوره‌ی جداگانه ساخته شده است. بخش زیرین آن دیرینه‌ای کهن دارد. اما بخش روین را در گذشته‌ای نه چندان دور - پنجاه تا هفتاد سال پیش - به رویش گذارده‌اند. هر دو بخش بند، از سنگ و ساروج است. سنگهای بخش پایین، اندازه‌ای نزدیک به بیست و پنج سانتیمتر دارد. در بخش بالا سنگهای کوچکتر را کار گذاشته‌اند.

بند دوم که تنها نشانی از دو دستک کناری به جا دارد، در صد و بیست متری بند اول ساخته شده است. باید کلفتی آن در تاج بهنگام آبادی، هشتاد سانتیمتر بوده باشد.

بند سوم در ۱۴۰ متری پایین دست بند دوم، در جایی ساخته شده که نهشته‌های رودخانه از دو شاخه‌ی جدا از هم می‌رسد. دو دستک راست و چپ آن، اولی به درازای ۸/۱ و دومی ۷/۵ متر، هنوز برجا است. بلندای دستکها ۴/۵ متر از بستر رودخانه در پایاب می‌باشد. از دو دستک که

بگذریم همه‌ی بند به درازای ۹/۲۲ متر ویران شده است. گمان که ویرانی در دو زمان جداگانه روی داده باشد. باید که از شکسته شدن بخش راست بند سالها گذشته باشد. تندآبه‌ای که از این بخش بند رد می‌شود از شاخه‌ی راست می‌آید سالهای زیادی است که خاک کف این آبراهه پایین افتاده است. نخلهایی که آنجاست گواهی دیرینگی تراز آن پنه را می‌دهد. دیگر بخش بند باید در چند سال گذشته افتاده باشد. خاکی که به پشت بند، به روزگار پابرجایی آن فراهم آمده بود، هنوز در جاهایی هست و در جاهایی که تندآبه از آن می‌گذشته، با آب رفته است. بیشترین بخش را تندآبه برده است. دریغ که پنه‌ای به این بزرگی فراهم آمده بود و فروریزی بند، این پنه را فرو ریخت. برروی بخش کوچکی از پنه که هنوز جایه جانشده است بازده نخل سربه آسمان دارد. اگر بندی به همان بلندای بند کهن ساخته شود می‌توان به ماندگاری این خاک و این نخلها امیدوار بود و گرنه باید از تندآبه‌ای که بیشتر از گذشته آب داشته باشد ترسید و این تندآبه امسال نیاید سال دیگر و یا سال پس از آن خواهد آمد. تندآبه راه می‌خواهد و با برداشتن این پنه راه را خواهد یافت.

آنچه بند سوم، به روزگار برپایی به پشت خود گرد آورد و آنچه که با شکستن آن، هدر رفت گویای چگونگی کار کرد بندهای پسار در پدید آوردن زندگی و آبادانی دشت لامرد است. با شکسته شدن بند کهن، بند تازه درپایاب، چسبیده با آن، از سنگ و سیمان ساخته شد تا که همه‌ی خاک نرود، پاره‌ای هم که رفته جبران گردد. بند تازه را به پهنه‌ای ۸/۱ متر، ۳/۱ متر از زمین بالا آورده‌اند. سنگهایی که از تاج بیرون زده است نشان می‌دهد که می‌خواهند بلندارا بیشتر کنند و به اندازه‌ی بند پیشین برسانند. نبود توان مالی و یا نیروی انسانی و یا سیمان و یا گاه... ساخت بند را دو زمانه نموده است.

چهارمین بند، پسین بند تنگ است. آن را به جایی ساخته‌اند که اگر ساخته نمی‌شد همگرد را کم نمود می‌داد. بند پیشین پنه‌ای گستردۀ و آبی بیش از خور خود دارد. آبرفت آن که سیراب شود، همه‌ی آب از روی سرریز گذر می‌کند و به دره می‌افتد و به جایی می‌رسد که بند چهارم را بنا نهاده‌اند - جایی درخور بنای یک بند. اگر این بند را نمی‌ساختند، آب زیادی از دست می‌رفت، پنه‌ی خوبی هم برای برپایی باغ به دست نمی‌آمد.

بند را به بلندای ۴/۵ متر برروی سنگ آهک بپا کرده‌اند. پهنه‌ای آن در تاج ۵/۱ متر و درازای آن ۳/۲۴ متر است. این بند را چون بند نخست در دو دوره‌ی جداگانه ساخته‌اند. یک متر و نیم بالایی به زمانی دیرتر به روی تنه‌ی پیشین گذارده‌اند. در کالبد بند، دلک یا ز هکشی، در ۱۵/۱ متری

پایینتر از رویه‌ی پیشین تاج کار گذارده بودند تا که آب آبرفت بالایی را آرام آرام بیرون فرستد. امروزه که بلندای بند بیشتر شده، این دلک به پایینی ۲/۲۰ متر از رویه‌ی تاج افتاده است. به هنگام دیدار، دیماه ۱۳۷۳، زه آب داشت. آب فرو ریخته رایک جوی گرد می‌آورد و از کناره‌ی کوه و سپس به میانه‌ی تپه ماهورها به سوی استخری می‌فرستد که در بالای کشتزارها جاگرفته است. استخر چهار گوش است - ۱۹/۵ متر ۱۸ متر. گودی آن ۱/۱ متر می‌باشد.

همگرد آبی آب کوهی را بایستی یک همگرد بدون کاستی، در بهره‌برداری از توانایی‌های آب و خاک آن سامان دانست. انجام این همه کار در آبشاری خشک، به کوچکی ۷/۵ کیلومتر مربع، شگفت انگیز است.